



هجرت امام رضا(ع) به ایران و برکات حضورش در میان ایرانیان

سیاست فرهنگی در سیره رضوی

دکتر محمد ملکزاده

استاد علومسیاسی پژوهشکده نظام‌های اسلامی

انحصار پایه‌گذاری تمدن اسلامی را باید از آن آخرین فرستاده الهی، حضرت محمد مصطفی(ص) دانست. تمدنی که پس از رحلت آن حضرت توسط پیشوایان معصوم علیهم‌السلام و جانشینان برحق ایشان تعمیق و گسترش یافت. گرچه پیشوایان معصوم بجز در دوران کوتاهی از حاکمیت سیاسی‌شان، بقیه عمر شریف‌شان ذیل حاکمیت حاکمان طاغوت سپری شد اما آنان در همان دوران نیز با پاسداری از مکتب اهل بیت(ع) به‌عنوان تنها الگوی ناب‌ا از اسلام محمدی(ص)، شیعه را در قلوب مؤمنان خالص حفظ نموده و پایه‌های تمدن اسلامی را با گسترش تشیع استوار ساختند. در این دادشاد نقش امام‌رضاع(ع) را در گسترش تشیع به‌عنوان عاملی در شکل‌گیری تمدن اسلامی مرور می‌کنیم.

گفت‌وگو با دکتر محمد فنایی اشکوری، استاد فلسفه دین

چرا گروهی با فلسفه مخالفند؟

تصحیح تلقی ما از فلسفه امری ضروری است

سیدحسین امامی

«فلسفه» از آن دست دانش‌هایی است که شیفتگان بسیاری دارد و گاه «تب فلسفه» چنان بالایی گیرد که فلسفه‌خواندن و شرکت در کلاس‌های فلسفه به یک مُد جذاب در جامعه بدل می‌شود. از طرف دیگر، کسانی هم هستند که «مخالفان سرسخت فلسفه» خوانده می‌شوند و فلسفه و فیلسوفان را به کلی گویی و پرداختن به امور غیرمفید متهم می‌کنند و اساساً اعتبار فلسفه را زیر سؤال می‌برند. دکتر محمد فنایی اشکوری، استاد فلسفه دین، معتقد است «تصحیح تلقی ما از فلسفه امری ضروری است.» او با آگاهی از چنین مناقشه‌ای، به تازگی کتابی با عنوان «تفکر فلسفی» که به همت انتشارات حکمت اسلامی وابسته به مجمع عالی حکمت اسلامی در قم منتشر کرده است که در فصلی از آن به «مخالفان فلسفه» می‌پردازد و دلیل اینکه چرا گروهی با فلسفه مخالفند؟ را عنوان می‌کند و پاسخ‌هایی به این طیف می‌دهد. به بهانه انتشار این کتاب، با دکتر محمد فنایی اشکوری به گفت‌وگو نشستیم. او دکترای رشته فلسفه دین از دانشکده مطالعات ادیان دانشگاه مک گیل کانادا دارد و اکنون با رتبه استادی، عضو هیات علمی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی است. «بحران معرفت؛ نقد عقلانیت و معنویت تجددگرا»، «تعهد به حقیقت»، «دانش اسلامی و دانشگاه اسلامی»، «درآمدی بر تاریخ فلسفه غرب» و «معرفت‌شناسی دینی» از جمله آثار پرتعداد او است.

■ جناب فنایی اشکوری، در کتاب جدیدتان با عنوان «تفکر فلسفی» که به چیستی و چرایی فلسفه و نسبت آن با دیگر علوم و معارف پرداخته‌اید، بخش مفصلی را به «مخالفان فلسفه» اختصاص داده‌اید. منظور از مخالفان فلسفه چه افراد یا گروه‌هایی هستند؟

جریان‌ها و طیف‌های مختلفی در غرب و شرق از منشرع تا سکولار با فلسفه مخالفت کرده و می‌کنند، مانند برخی متکلمان، محدثان، فقها، صوفیان و علم‌گرایان (ساینتیست‌های پوزیتیویست). برخی با فلسفه به طور کلی مخالفند و بعضی با فلسفه اسلامی مخالفند، نه با فلسفه به طور کلی. اینها نیز چند دسته‌اند. متجددان و سکولارها که فلسفه اسلامی را فلسفه نمی‌دانند، بلکه آن را کلام یا الهیات می‌شمارند و گروهی از متشرعان نیز چون فلسفه اسلامی را با آموزه‌های اسلامی ناسازگار می‌دانند به جنگ با آن برخاسته‌اند.

■ پاسخ‌تان به مخالفان فلسفه چیست؟ در این کتاب با چه روشی به بحث با مخالفان فلسفه پرداخته‌اید؟
در این کتاب «تفکر فلسفی» تبیین و از آن دفاع شده است، نه از آرای فلاسفه، یا مکتب فلسفی خاص. در این اثر نشان داده‌ام که مخالفت با برخی آرا فلاسفه یا رد یک مکتب فلسفی خاص، هرگز به

مشروعیت بخشیدن به حکومت غاصبانه خویش، در اقدامی ریاکارانه آن حضرت را از مدینه به مرو کشاند و ایشان را ولیعهد خویش معرفی کرد. گرچه مأمون به اهداف خویش دست نیافت و در نهایت امام رضا(ع) را پس از یک سال به شهادت رساند اما امام(ع) از همین فرصت نیز به طرق مختلف برای تعمیق و گسترش تشیع بهره گرفت:

۱. مبارزه با ظلم

یکی از ویژگی‌های تشیع و از شاخصه‌های اصلی تمدن اسلامی، ظلم‌ستیزی و مبارزه با حاکمان جائر است. امام رضا(ع) گرچه به ظاهر ولیعهد مأمون بود ولی هرگز از مبارزه با حاکمیت جور باز نایستاد؛ عدم پذیرش مسئولیت‌های حکومتی و مبارزه مخفیانه با مأمون عباسی تا لحظه شهادت از جمله اقدامات سیاسی ایشان در مبارزه با حاکمیت جور به شمار می‌آید.

۲. تأکید بر ولایت اهل بیت(ع)

جایگاه ولایت در تمدن اسلامی با الگوی شیعی، از اهمیت بسزایی برخوردار است. حدیث مشهور سلسله‌الذهب که توسط امام رضا(ع) هنگام ورود ایشان به نیشابور در میان انبوه جمعیت مشتاق و دوستدار آن حضرت بیان شد، بر لزوم پذیرش ولایت اهل بیت(ع) تأکید دارد. آن حضرت در پاسخ سلیمان جعفری که در مورد همکاری با مأمون از امام رضا(ع) سؤال کرد، فرمود: ای سلیمان! وارد شدن به دستگاه جور و کمک به آنان و کوشش در تأمین نیازهایشان معادل کفر است و توجه عمدی به آنها از گناهان بزرگی است که آتش دوزخ، سزای آن خواهد بود.

۳. مقاومت هوشمندانه در برابر چارنان

یکی دیگر از نمادهای تشیع، نماد مقاومت در برابر سختی‌ها و مشکلات است. اساس تمدن اسلامی بر محور مقاومت شکل گرفته است. در عصر امام رضا(ع) آن حضرت لنگو و چهره بارز مقاومت در جایگاه

رهبر سیاسی ـ دینی امت بود. در این دوره که رویارویی میان امام(ع) و خاندان عباسی به اوج خود رسیده و شخصیت محبوب و قدرتمند امام رضا(ع) در میان مردم، ابتکار عمل را از مأمون سلب نموده بود، مأمون سعی می‌کرد با ترغندهای گوناگون آن حضرت را تسلیم خود سازد اما این تلاش بیهوده نتیجه‌ای برای مأمون به همراه نداشت، چه آنکه خود او در یک محفل

http://irannewspaper.ir

editorial@irannewspaper.ir



■ اساس تمدن اسلامی بر محور «مقاومت» شکل گرفته است. در عصر امام رضا(ع) آن حضرت الگو و چهره بارز مقاومت در جایگاه رهبر سیاسی ـ دینی امت بود. زمانی که امام رضا(ع) به ایران هجرت کردند، بسیاری دیگر از شیعیان و محبان اهل بیت(ع) از عراق و حجاز به شهرهای مختلف ایران آمدند و در شهرهای نیشابور، طوس، قم، ری و دیگر مناطق ایران سکنی گزیدند. این امر در کنار فعالیت‌های تبلیغی مانند به راه افتادن جلسات مناظره علمی و کلامی، زمینه افزایش ارتباط عاطفی و معنوی امام(ع) با مردم و گرایش روزافزون به تشیع و در نهایت گسترش فرهنگ و تمدن غنی اسلامی را فراهم کرد. اینگونه است که «فان فلوتن» یکی از خاورشناسان در بررسی علل محبوبیت امامان شیعه در میان مردم و گسترش تفکر شیعی در ایران، می‌نویسد: «یکی از علل گرایش ایرانیان به تشیع این بوده که آنها شیوه‌های انسانی را جز در خط فکری ائمه(ع) نیافتند.»

نیم نگاه

دک را او مرکب خطا شده و خود را در لبه پرتگاه قرار داده‌ایم!»

مقاومت هوشمندانه امام رضا(ع) در برابر مأمون علاوه بر اینکه نقشه‌های او را ناکام گذاشت، به شیعیان نیز راه و رسم مقاومت هوشمندانه در برابر حاکمان جور و خلافت ما اعتراف نماید و در ضمن شیفتگانش بداندند که او آنچنان که به ادعا می‌کند، نیست و این امر (خلافت) شایسته ما است نه او. اکنون می‌بینیم که

خصوصی اینگونه سخن گفت:

«این مرد (امام رضا) کارهای خود را از ما پنهان کرده و مردم را به امتعت خود می‌خواند. ما او را بدین جهت ولیعهد قرار دادیم که مردم را به خدمت ما خوانده و به ملک و خلافت ما اعتراف نماید و در ضمن شیفتگانش بداندند که او آنچنان که به ادعا می‌کند، نیست و این امر (خلافت) شایسته ما است نه او. اکنون می‌بینیم که



■ مهم‌ترین نکته در این کتاب «تصحیح تلقی ما از فلسفه» است. در این تلقی «فلسفه» عقل‌ورزی روشمند و نظام‌مند درباره پرسش‌های بنیادین بشر در هر موضوع است. بنا بر این، فلسفه اساس تفکر و اندیشه در هر باب است، از جمله در تفکر دینی و در علوم طبیعی و انسانی. فلسفه، خردورزی در باب نیک، زیستن و نیکو زیستن است و به این اعتبار، فلسفه مبنای عقلانی تمدن انسانی است. ■ اگر مهم‌ترین وجه ممیز انسان خردورزی نباشد دست‌کم یکی از مهمترین وجوه ممیز انسان خردورزی است؛ حال اگر توجه کنیم که تفکر فلسفی چیزی جز خردورزی منضبط نیست، مخالفت با فلسفه قابل توجیه نیست.

نیم نگاه

چگونگی آن بحث می‌کنیم. همان گونه که از عنوان کتاب پیداست، موضوع آن چیستی تفکر فلسفی (philosophical thought)، ویژگی‌ها و روش‌های آن و تمایزش با شیوه‌های دیگر تفکر مانند تفکر تجربی، تاریخی، دینی و عرفانی است. و در این راستا از ارتباط و تعامل فلسفه با دیگر حوزه‌های معرفتی هم گفته و نوشته‌ام.

■ آیا می‌توان گفت این بحث، نوعی تحقیق درجه دوم (second order) است که موضوع آن فلسفه است؟

اگر از این زاویه نگاه کنیم در این کتاب دو سنخ بحث طرح می‌شود، هم از «تفکر فلسفی» به عنوان یک فعالیت عقلانی در شاخه‌های مختلف فلسفه از هستی، معرفت، اخلاق، ذهن، ماده، علم و مانند آن بحث عقلی می‌شود، اما در اینجا، از خود فلسفه و تفکر فلسفی و چیستی و

به امام واگذاشت تا به مردم نشان دهد او چشم در دنیا دارد و بدین ترتیب موقعیت معنوی خویش را پیش آنها از دست بدهد، اما حضرت رضا(ع) با روشی هوشمندانه به مقابله با این توطئه مأمون برخاست و در نهایت او را در این توطئه شکست داد.» از جمله جلوه‌های مقاومت هوشمندانه امام(ع) در برابر مأمون را می‌توان عدم پذیرش دخالت در امور حکومت، تأکید بر منشأ الهی مشروعیت حاکم و ابراز نارضایتی از پذیرش منصب ولایتعهدی دانست.

۴. معرفتی ناپایان خاص به مردم

در زمانی که امام رضا(ع) به ایران هجرت کردند، با توجه به اینکه بسیاری از سادات علوی نیز به دلیل استبداد و فشارهای هیات‌های حاکمه ناچار به مهاجرت به ایران شده بودند، شیعیان ایران به‌طور چشمگیری افزایش یافتند. پیش از حضور امام رضا(ع) در ایران، شیعیان ایران به طرق مختلف همچون ارسال نامه یا نمایندگان، بویژه در ایام حج و مناسبت‌های مختلف با اهل بیت(ع) ارتباط برقرار می‌کردند و حال آنکه پس از عزیمت امام هشتم به ایران و افزایش فشار و اختناق از سوی حاکمان عباسی، بسیاری دیگر از شیعیان و محبان اهل بیت(ع) از عراق و حجاز به شهرهای مختلف ایران آمدند و در شهرهای نیشابور، طوس، قم، ری و دیگر مناطق ایران سکنی گزیدند. در این شرایط امام(ع) وکلایی را به‌عنوان نایب خاص خویش برای تسهیل مراجعه مردم به آنان تعیین نمود. این امر در کنار فعالیت‌های تبلیغی مانند به راه افتادن جلسات مناظره علمی و کلامی، راه یافتن کتب و مجموعه‌های علمی و نامه‌نگاری‌های امام(ع) به بلاد متعدد و در نهایت شهادت امام(ع) که منجر به قرار گرفتن بارگاه مطهر ایشان در میان خیل دوستداران اهل بیت(ع) در ایران شد، زمینه افزایش ارتباط عاطفی و معنوی امام(ع) با مردم و گرایش روزافزون به تشیع و در نهایت گسترش فرهنگ و تمدن غنی اسلامی را فراهم نمود. اینگونه است که «فان فلوتن» یکی از خاورشناسان در بررسی علل محبوبیت امامان شیعه در میان مردم و گسترش تفکر شیعی در ایران گسترده آن روز که بخش وسیعی از منطقه غرب آسیای کنونی و مناطق دیگر را فراگرفته بود، می‌نویسد: «یکی از علل گرایش ایرانیان به تشیع این بوده که آنها شیوه‌های انسانی را جز در خط فکری ائمه(ع) نیافتند.»

باید، به فلسفه‌های دیگر نیز سری بزنند و با منظری بیرونی به فلسفه بنگرد. کسی که فقط با یک نظام یا مکتب و سنت فکری فلسفی آشنا است و فلسفه را محدود به فلسفه‌ای که خود با آن شناسات می‌داند، تصور درستی از فلسفه ندارد. نگاه به فلسفه از بیرون و دیدن مکتب‌ها و نظام‌های متعدد و متنوع فلسفی و تأمل در آن، تصویر متفاوتی از فلسفه به ما می‌دهد. کسی که در نقطه‌ای در رون جنگل است و نگاهش را به چند درخت دوخته ، تصویر درستی از جنگل ندارد.

این تصویر وقتی به دست می‌آید که ارتفاع بگیرد و از بالا و از چشم پرنده (bird’s-eye view) منظره را تماشا کند.

معمولاً طلاب و دانشجویانی که وارد رشته فلسفه می‌شوند در آغاز تصور روشنی از فلسفه ندارند و فلسفه برای آنان امری اسرارآمیز، مبهم و رازآلود است و گویی دل به دریا می‌زنند و همانند تیری در تاریکی وارد فضایی مبهم می‌شوند که امید می‌برد تدریجاً قدری روشن شود، برخی نیز به دلیل همین ابهام و تاریکی، هراسناک از آن می‌گریزند. بنابراین در این کتاب سعی کرده‌ام این فضا را تا حدی روشن کنم و همان طور که شما اشاره کردید تاریخ و جغرافیای فلسفه را به خواننده نشان دهم تا بتواند آگاهانه در این باره تصمیم بگیرد.

■ به نظر می‌کی از ویژگی‌های این کتاب، قلم روان و همه‌فهم آن است؛ چرا که اغلب کتاب‌های فلسفی نگارشی تخصصی و تخصصی دارند، اما به نظر می‌رسد که شما در این کتاب با قصد و هدف از «غامض گویی فلسفی» برهیز کرده‌اید و…

که به نحوی با فلسفه درگیرند، از محققان فلسفه تا علاقه‌مندان به فلسفه و حتی مخالفان فلسفه. کتاب به صورت گفت‌وگو مطرح شده است، مطالعه آن آسان است و متفاوت کتاب به نوع کتاب‌های فلسفی است که شما توصیف کردید که دشوار و خسته کنند‌اند. از این نظر، فکر می‌کنم این کتاب برای عموم اهل مطالعه قابل استفاده باشد.